

کمیته‌ی کارگران: طرحی از اصول و ساختار آن

بخش دوم

نویسنده: جان توماس مورفی
اقتباس و برگردان آزاد: بهزاد کاظمی
ویراستار: منصور موسوی

بزرگ‌تری هستیم که از درون یک شاخه‌ای خاص صنعتی پا به عرصه‌ی وجود گذاشته و راستای روشنی از رشد و تحول را به ما نشان داده است. تاکنون نشان داده‌ایم که چگونه یک کمیته‌ی کارخانه و کمیته‌ی کارگران و تکنیسین‌های امور مهندسی را در یک محل و مکان تشکیل دهیم. این کمیته‌ها نباید هیچگونه قدرت حکمرانی بر روی توده‌ی طبقه‌ی کارگر داشته باشند. ضرورت وجودی این کمیته‌ها برای خدمت‌رسانی به توده‌های کارگر است. این کمیته‌ها باید وسائل و شرایطی را به وجود بیاورند که توده‌های طبقه‌ی کارگر در تجربه‌ی روزمره‌ی خود تصمیم‌گیری کنند و نیروها و امکانات خود را وحدت و تمرکز بخشند.

کمیته‌های کارخانه

گام بعدی سرعت بخشیدن به رشد کمیته‌های واحد صنعتی، تشکیل کمیته‌ی کارخانه در هر کارخانه است. برای رسیدن به این هدف، نمایندگان هر بخش تولیدی و صنعتی در یک کارخانه باید جلسه‌ای تشکیل دهند و کمیته‌ی مشترکی را از بین خود انتخاب کنند تا تلاش‌های آن‌ها را در هر بخش مرکزیت بخشد یا کمیته‌های موجود در آن کارخانه را با هم پیوند دهد. در ادامه‌ی مطلب می‌کشیم ضرورت این تحول را توضیح دهیم. درست به همان دلیل که همکاری بخش‌های یک کارخانه برای تولید یک کالا ضروری است، به همان دلیل نیز هماهنگی کار کمیته‌های مختلف کارخانه نیز لازم است. از آنجا که مسائلی وجود دارد که بر یک بخش تولیدی تاثیر می‌گذارند، بنابراین نکات و مسائلی نیز هست که بر یک کارخانه در مجموع تاثیر خواهند گذاشت. کارکرد کمیته‌ی کارخانه به گونه‌ای خواهد بود که باید از هر مسئله و از هر فعالیتی در کلیه‌ی بخش‌های کارخانه و در نخستین لحظه‌ی ممکن مطلع شود و حداکثر توجه را به آن نشان دهد. به این ترتیب، شکایت‌های کارگران یک بخش که از وضعیت و اتفاقات بخش‌های دیگر کارخانه بی‌خبر مانده‌اند، کاهش خواهد یافت. مهم‌تر از آن، نیرنگ همیشگی کارفرمایان مبنی بر "بازی‌دادن" یک بخش علیه بخش دیگر کارخانه که

کمیته‌های صنعتی محلی

در هر منطقه‌ی صنعتی و تولیدی باید "کمیته‌های صنعتی محلی" تشکیل شود. به آسانی می‌توان درک کرد که هیچ موسسه و کارخانه‌ای را نمی‌توان به طور کامل در چارچوب تشکلهای کارگری سازماندهی کرد مگر اینکه کارگران سایر موسسه‌ها و کارخانه‌های دیگر نیز به همان سمت و سو حرکت کرده باشند. بنابراین در مراحل اولیه‌ی رشد سازماندهی باید کوشید تا گردهمایی‌های کل نمایندگان کارخانه در هر منطقه برگزار و از این گردهمایی‌ها کمیته‌ی اداره‌کننده‌ی صنایع تشکیل شود. اندازه‌ی کمیته‌ها بنا به اندازه‌ی تعداد کارگران و وضعیت صنایع همان منطقه متغیر خواهد بود. بنابراین، نمایندگان تشکیل‌دهنده‌ی کمیته‌ها ترکیب، تعداد اعضای درونی و اندازه‌ی آن را تعیین خواهند کرد.

عملکرد این کمیته‌ها به طور عمده، آموزش دادن و هماهنگ کردن کوشش توده‌ی کارگران از طریق نمایندگان کارخانه خواهد بود. مثلاً، یکی از وظیفه‌های کمیته‌های صنعتی محلی ایجاد یک کمیته‌ی اطلاعات مربوط به مقررات توافق‌شده‌ی ویژه منطقه، قانون تسلیحات، توافق خدمت در ارتش، هیات مشورتی کارگری، شیوه‌ی روال کار در کارخانه‌ها و غیره خواهد بود. سپس این کمیته‌ی صنعتی محلی باید به ابزار گسترش و رشد تشکلهای کارگری تبدیل بشود تا کارگران بتوانند در فرایند کنش-ورزی خویش حداکثر قدرت را به دست بگیرند.

باید دقت کرد که این کمیته "جانشین" اتحادیه‌های محلی نشود و کارکردهای کمیته‌های اتحادیه‌ی کارگری در آن محل را «غصب نکند». نقش اساسی این کمیته پرداختن به مسائل بزرگ‌تری خواهد بود که شامل تمام اتحادیه‌های کارگری حرفه-ای در صنایع می‌شود.

بدین سان، تا آنجا که روال کار و روش عملی مدنظر است، به ویژه کارگران و تکنیسین‌های امور مهندسی خطاب قرار می‌گیرند. ما این پیشنهاد را براساس تجربه‌ی عملی خود کارگران می‌دهیم. چرا که هم اکنون شاهد پیدایش هسته‌های تشکلهای



همواره برای پایین نگه داشتن مزایا و حقوق به کار برده می‌شود نیز به آسانی متوقف خواهد شد.



بدون یک کمیته‌ی مرکزی منتخب کارگران در هر کارخانه، کمیته‌ی کارخانه کم‌کم در عمل سست می‌شود و طبعاً این هیچ امتیاز ویژه‌ای برای جنبش کارگری نخواهد بود. از سوی دیگر، با فعال بودن یک کمیته‌ی کارخانه، هر تغییری در روال کار کارخانه می‌تواند مشاهده شود، هر بخش جدیدی که در کارخانه ایجاد می‌شود برای شکل و سامان‌یابی کارگران در همان بخش تلاش صورت خواهد گرفت. بدین سان، کارگران در همه جای کارخانه به رشد آگاهی اجتماعی و دانش صنفی - طبقاتی دست می‌یابند؛ کارگران از نزدیک درمی‌یابند که چگونه زندگی و کارشان به یکدیگر مربوط است و چگونه به دیگران برای تولید نیازمندی‌های جامعه وابسته‌اند. به بیان دیگر، در آن هنگام، گونه‌ای آگاهی با سرشت اجتماعی از روش‌های تولید پرورش خواهد یافت. بدون آن آگاهی، تمام امید برای طبقه کارگری متحد بیهوده خواهد بود و همبستگی کامل کارگری ناممکن است.

به جای این که این نظریه‌ی عده‌ای معدود باشد که کارگران در تولید هم‌بسته هستند، شکل و سازمان کارگران در مراکز تولید این موضوع را در عمل و به عنوان یک امر واقع نشان می‌دهد. در آن هنگام، کارگران ساده، فلزکار، قالب‌ریز، تراشکار، رنگرز، چوبکار و غیره، رابطه‌ی اجتماعی و وابستگی به همدیگر را در تولید مورد تاکید قرار می‌دهند و در خواهند یافت که هنگامی که بر پایه‌ی منافع مشترکی پیوند یابند از چه قدرتی برخوردار خواهند بود. این مرحله از سازمان‌یابی آغازین طبقه‌ی کارگر را بررسی خواهیم کرد و خواهیم دید که این مرحله تا چه حد حیاتی و با ارزش است.

نه تنها در سرمایه‌داری مدرن گرایش به خودکفایی ملتها مشاهده می‌شود، بلکه موسسه‌ها و دستگاه‌های صنعتی درون کشورها نیز سمت و سوی مشابهی دارند. کارفرمایان صنعتی با سرمایه‌ی خود که برای بهره‌برداری از منابع معینی مانند تولیدات ذغال سنگ، آهن و فولاد و غیره کنار نهاده شده است، در آغاز کار به گروه‌های دیگر سرمایه داران وابسته هستند تا به امکانات معینی برای تولید محصول خاص خود دسترسی داشته باشند. نتیجه‌ی این فرایند آن است که هر گروه ضمن تلاش برای به حداقل رساندن هزینه‌ی تولید خود می‌کوشد تا به صورت مستقیم بر تمام چیزهایی که برای آن کار لازمست کنترل داشته باشد.

مثلاً رشد کارخانه‌ی اسلحه‌سازی مدرن را در نظر بگیرید. این بخش از صنایع نظامی، تولید خود را با تخصص در پوشش و صفحات زره‌ای شروع کرد. سپس، در روند تولید پی برد که وابسته به ذغال سنگی است که بیرون از عرصه‌ی تولیدی، تخصصی و مکان جغرافیایی صنایع نظامی تولید می‌گردد. آنگاه صنایع نظامی بخش‌های دیگر صنعتی و خدماتی مانند حمل و نقل، ماشین آلات و کالاهای عمومی را در اختیار گرفت. در همین راستا، ضمن رشد، کارگران راه‌سازی، آجرپزی، بنایی، شیروانی‌سازی، و دیگر کارشناسان را استخدام کرد تا بخش‌های تازه‌تر تولیدی را بسازند. در ادامه‌ی روند رشد، تعمیرکاران و مکانیک‌هایی را به کار گرفت تا تعمیرات ماشین آلات و وسایل حمل و نقل را انجام دهند. به مجرد اینکه بخش‌های جدیدی به وجود آمدند، به ناچار سیستم راه آهن و سیستم ارباه‌ای نیز به این مجموعه پیوستند؛ اسب‌ها، ارباه‌ها، طولی‌ها، لوکوموتیوها، واگن‌ها و غیره همگی بخشی از موجودی کارخانه شدند. آنچه کارگران در گذشته تعمیر می‌کردند، هم‌اکنون خودشان تولید می‌کنند. با بزرگ شدن صنایع نظامی، دستگاه برق و موتورها و تولیدکننده‌ی گاز نیز به کار گرفته شدند. ورود بخش‌های جدید تولیدی و خدماتی به صنایع نظامی و اسلحه‌سازی، موجب شد تا میدان مدیریت و سازماندهی برای تولید کالاهایی که پیش‌تر به تولیدکنندگان بیرون از صنایع نظامی و اسلحه‌سازی وابسته بودند، وسعت یابد و بزرگ‌تر شود. بدین سان، برخی از معادن ذغال سنگ به تصرف در آمدند، قسمتی از سیستم راه آهن در اختیار گرفته شد و غیره. در نتیجه کارگران بخش‌های گوناگون هر چه بیشتر تحت کنترل یک کارفرما یا یک دسته از کارفرمایان قرار گرفتند.

ما توسط رشد طبیعی صنعت کنار هم گرد آمده‌ایم، و این امر با فرایندهای ساده‌سازی و تقسیم‌بندی مورد استفاده در تولید اجتناب‌ناپذیرتر می‌شود. ما به گروه‌های اجتماعی تبدیل شده‌ایم که به یک کارفرما یا گروهی از کارفرمایان وابسته‌ایم. تنها راه مواجهه این اوضاع، سازمان یافتن و جنگیدن است، همانطور که برای تولید سازمان یافته‌ایم. بنابراین، ضرورت وجود کمیته‌ی کارخانه از آن روست که تمام کارگران کارخانه را دور یکدیگر جمع و قدرت کار را متمرکز می‌کند تا با نیروی متمرکز سرمایه روبرو شوند.



کمیته های محلی کارگران

ما دیدیم که چگونه تشکیل کمیته‌های کارخانه، کارگران را به تشکیل کمیته‌ی کارگران خدمات مهندسی و کمیته‌ی کارخانه در محل کشانید. کمیته‌های کارخانه در فرایند گسترش خود نیز ما را به سمت رشد در سطح محلی و کشوری می‌کشانند. هیچ خط و مرز مشخصی بین یک صنعت و صنعت دیگر وجود ندارد، چنانکه هیچ خط و مرزی بین کارگران ماهر، نیمه‌ماهر و غیرماهر وجود ندارد. یک کارخانه‌ی مهندسی جدید، همانطور که نشان دادیم، دارای انواع مختلف کارگر است. علاوه بر مکانیک‌ها، قالب‌ریزها، فلزکاران، آهنگران و غیره، نجاران، شیروانی‌سازها، بناها، سنگتراش‌ها، کارگران حمل و نقل و غیره هستند که همه‌ی آن‌ها به کارخانه‌ی مهندسی وابسته‌اند، و به همین ترتیب باید توسط کمیته‌ی کارخانه نمایندگی شوند.



این ما را به روشنی به صنایع دیگر غیرمهندسی رهنمون می‌شود و رشد مشابهی را در این صنایع مانند صنعت مهندسی ناگزیر می‌کند. سپس درست همانطور که از شعبه‌های اتحادیه‌های کارگری، شورای اتحادیه‌ها* Trade Council به وجود می‌آید، از کمیته‌های صنعتی مختلف هم نمایندگانی باید برای تشکیل کمیته‌ی محلی کارگران انتخاب شوند.

این کمیته در شکل شبیه به شورای اتحادیه‌ها خواهد بود، با این تفاوت اساسی که شورای اتحادیه‌ها فقط به‌طور غیرمستقیم به کارخانه‌ها مربوط است، حال آنکه کمیته‌ی کارگران به‌طور مستقیم به آن مربوط است. اولی هیچ قدرتی ندارد، دومی قدرت محرکه‌ای دارد که نتیجه‌ی پیوند مستقیم کارگران است. بنابراین، کمیته‌ی کارگران ابزار معطوف کردن توجه کارگران یک محل به مسائلی است که بر کل کارگران در آن محل تاثیر می‌گذارد.

امکانات چنین سازمانی در یک منطقه بسیارعظیم است. هر کمیته بر حسب ماهیت خود به فعالیت‌های مشخص محدود خواهد بود: کمیته‌ی یک بخش کارخانه Workshop Committee مثلاً تراشکاری یا فلزکاری، به مسائلی که بر آن بخش تاثیر می‌گذارد رسیده‌گی می‌کند. کمیته‌ی کل کارخانه Plant Committee که در برگیرنده‌ی نمایندگان بخش‌های مختلف

کارخانه خواهد بود به مسائلی که مربوط به کلیه‌ی بخش‌های کارخانه است رسیدگی می‌کند. کمیته‌ی صنعتی Industrial Committee به مسائل مربوط به یک صنعت خاص توجه می‌کند. و در نهایت "کمیته‌ی کارگران" Workers' Committee به مجموعه‌ی مسائل «طبقه‌ی کارگر» می‌پردازد. به این ترتیب، کارگران در تجربه‌ی مستقیم آموزش می‌یابند و از طریق نهادهای خودسازمانده‌ی خود دست به ایجاد تشکلهایی می‌زنند که بازتاب مشکل‌های کارگران تجزیه‌شده در یک کارخانه، یا یک صنعت یا کل طبقه در یک منطقه یا سرتاسر کشور است.

تا کنون در اشاراتمان درباره‌ی کمیته‌ی شرکت نشان دادیم که چگونه صنعت درون دستگاه مهندسی رشد می‌کند و حاکی از رشد مشابهی در سایر صنایع است. کفایت رشد ماشین‌آلات مدرن را در نظر بگیریم تا بی‌درنگ متوجه شویم که همین‌طور که ماشین‌آلات وارد قلمرو همه‌ی صنایع می‌شوند و حمل و نقل آسان‌تر و مکانیکی‌تر می‌گردد، همین‌طور هم تمام انواع کارگران با هم در مرادده قرار می‌گیرند و به هم وابسته می‌شوند. مهندسی در تمام صنایع — صنعت معدن، ساختمان و کشاورزی و غیره — گسترده می‌شود تا این که دریابیم که همان‌طور که سایر کارگران صنعتی با سایر کارگران مهندسی آمیخته شده‌اند، همان‌طور هم کارگران مهندسی و دیگران با کارگران صنعتی دیگر در صنایع مربوطه درهم آمیخته‌اند. در نتیجه، کمتر اوضاعی بروز می‌کند و کمتر مسائلی مطرح می‌شود که فقط بر یک صنعت به تنهایی یا بر یک بخش به تنهایی اثر بگذارد، و هر چه بیشتر لازم می‌شود تا کارگران سازمان‌های خود را برای روبروشدن با این مسائل جدید صنعتی اصلاح کنند یا تطبیق دهند. چرا که هیچ مشاجره‌ای هم اکنون بروز نمی‌کند که مستقیماً بر تعداد بیشتری از کارگران یک صنعت اثر نگذارد، حتی خارج از یک کارخانه یا تاسیسات.

یک توقف کار گسترده بر کارگران معدن با تغییر میزان مصرف ذغال اثر می‌گذارد، بر راه‌آهن‌ها با جلوگیری از انتقال کالاها اثر می‌گذارد، و در بعضی موارد کارگران راه‌آهن فراخوانده می‌شوند تا کالاها یا افراد "اعتصاب‌شکن" را به مرکزی خارج از مراکز مورد مشاجره منتقل کنند و برعکس. دست از کارکشیدن کارگران معدن به سرعت موجب رکود در صنایع دیگر می‌شود. و به همین نحو، دست از کارکشیدن کارگران راه‌آهن بر کارگران معدن، مهندسان و غیره اثر می‌گذارد. بدین ترتیب ضرورت همکاری متقابل هنگام بروز اختلاف به فوریت آشکار می‌شود، و هماهنگ نمودن موثر کارگران مزدبگیر و وظیفه‌ی فوری ماست. کمیته‌ی کارگران ابزاری است برای رسیدن به این هدف: نه فقط جنگیدن برای اهداف بلکه همچنین برای پرورش آن آگاهی طبقاتی که تکرار می‌کنیم برای رشد طبقه کارگر لازم است. از این گذشته، معلوم خواهد شد که چنین کمیته‌ای به‌عنوان ابزار گسترش اطلاعات در تمام جهات بسیار باارزش است و با تغییر



دادن موقعیت، می‌تواند عقاید کارگران غیراتحادیه‌ای را به مسائل طبقه‌ی کارگر متمرکز کند تا آن حد که هیچ شکل و سازمانی امروز امکانات انجام آن را ندارد.

به هر حال تشویق و تثبیت چنین سازمانی مستلزم پول نقد است تا بتواند هزینه‌های مربوط را بپردازد. بنابراین، برای اینکه حتی در این مورد نیز پایه‌ی طبقاتی مشخص شود، توصیه می‌کنیم که کارت‌های عضویت پیوسته از طرف کمیته‌ی کارگران



صادر شود. این کارت باید خلاصه‌ای از اهدافی را که در نظر داریم ذکر کند، و جایی به ثبت حق عضویت که باید ناچیز باشد اختصاص داده شود. نحوه‌ی جمع‌آوری حق عضویت‌ها به آسانی می‌تواند چنین باشد: حق عضویت‌ها به نماینده‌ی کارخانه پرداخت می‌شود، و او نیز مبلغ آن را در کارتی که تهیه شده وارد می‌کند. سپس نمایندگان آن را به معتمد کارخانه می‌سپارند و او نیز پول را به خزانه‌دار کمیته‌ی کارگران در جلسه‌ی نمایندگان کارخانه می‌پردازد. به این ترتیب، هر یک پرداخت‌های دیگری را کنترل می‌کند.

کمیته‌های صنعتی ملی

اکنون باید به رشد گسترده‌تر کمیته‌ی صنعتی ملی توجه کرد، زیرا بی‌درنگ پذیرفته خواهد شد که سازمان‌های محلی برای عمل موثر باید هماهنگ شوند.

ما عقیده داریم که ساختار محلی باید همتای خود را در ساختار ملی داشته باشد. برای این منظور باید طرز تشکیل یک کمیته‌ی صنعتی ملی را نشان دهیم. در مراحل اولیه‌ی جنبش، آشکار است که رای‌گیری برای انتخابات نخستین کمیته‌ی ملی غیرممکن خواهد بود و نباید نگران بود که ما کارگران قدرت اجرایی را به این کمیته‌ها تفویض نمی‌کنیم. بنابراین، یک کنفرانس ملی از نمایندگان منتخب از کمیته‌های صنعتی محلی باید در مناسب‌ترین مراکز فرا خوانده شود. از این کنفرانس باید کمیته‌ی اجرایی ملی برای آن شاخه‌ی صنعتی انتخاب شود و مکان‌هایی که اعضای کمیته انتخاب می‌شوند باید در نظر گرفته شود. بعد از اینکه هماهنگی‌های اولیه موارد اضطراری تامین گردید، نخستین وظیفه‌ی کمیته، رفع پراکندگی میان مناطق گوناگون و تمرکز یابی "کمیته‌های صنعتی ملی" خواهد بود.

گروه‌بندی تعدادی مرکز با هدف اعمال نمایندگی کمیته‌ی اجرایی ملی برای ایجاد کارایی کارهای اداری و دفتری ضروری خواهد بود. مثلاً، ما دوازده بخش جغرافیایی با دو نماینده از هر

قسمت را برای سرتاسر بریتانیا پیشنهاد می‌کنیم. مرزهای این بخش‌ها به توزیع جغرافیایی صنعت بستگی دارد. عملکردهای کمیته باید به تمرکز بر مسائلی محدود شوند که در سطح ملی به آن صنعت مربوط هستند. باید به روشنی فهمیده شود که کمیته‌ی صنعتی ملی برای غصب کردن کارکردهای شوراهای اجرایی اتحادیه‌های کارگری نیست. تا جایی که به این کمیته‌ها مربوط می‌شود، قدرت تصمیم‌گیری باید به کارخانه سپرده شود. در مواقعی که توده‌ها چنان دور از دسترسی شوراهای اجرایی اتحادیه‌های Trade Council خود هستند که برخلاف نظر آن‌ها دست به عمل می‌زنند، بدون شک از هر شکل و سازمانی که در دسترس‌شان است استفاده می‌کنند. بی‌شک سازماندهی اعتراض‌ها و اعتصاب‌های ناگهانی یک کارخانه از طریق همان تشکیلی که در دسترس دارند (کمیته‌ی کارخانه) انجام خواهد گرفت. صرف‌نظر از چنین شرایط نامتعارفی، کارکردهای کمیته صنعتی ملی باید محدود شود به ایجاد سازمان، پخش اطلاعات درباره‌ی تمامی مسائل مربوط به صنعت در سراسر کارخانه‌ها، استفاده‌ی مبتکرانه از راه‌ها و ابزارهای تغییر ساختار و قوانین اتحادیه‌های کارگری، و کارکردن با روح واقعی دموکراسی تا زمانی که سازمان‌های قدیمی تغییر کنند یا کنار نهاده شوند. برای جایگزین ساختن تشکل‌های منسوخ و کهنه با تشکل‌های دموکراتیک و پرتوان باید طرح نوینی ارائه داد.

کمیته ملی کارگران

اما همانطور که ضرورت رسیدن به یک پایه‌ی طبقاتی در کمیته ملی کارگران را درک کردیم، همانطور هم ضروری است که همتای آنرا در کمیته‌ی ملی کارگران داشته باشیم. فعالان کارگری براساس تجربه‌های تاریخی عمل می‌کنند. همانطور که اتحادیه‌های کارگری گذشته احساس می‌کردند که منافع مشترک بین همه فعالین اتحادیه‌های کارگری در یک محل وجود دارد و در نتیجه شورای اتحادیه‌ها Trade Council را تشکیل می‌دادند، سرانجام نیز دریافتند که حرکتی مشابه در سطح ملی لازم است و کنگره اتحادیه‌های کارگری را تشکیل دادند. براساس این تجربه، همتای آن در جنبش ما کمیته‌ی ملی کارگران است. پیشنهاد می‌کنیم که دو نماینده از طرف هر کمیته‌ی کشوری صنعتی برای تشکیل آن انتخاب شوند. کوچکی کمیته زیان‌آور نخواهد بود. باید ساختار، روابط و وظائف نمایندگان این کمیته‌ی سراسری به صورتی شفاف ترسیم شود. این کمیته بنابر ماهیت خویش، خود را به مسائلی محدود می‌کند که بر کلیه‌ی کارگران اثر می‌گذارد. می‌توان رابطه‌ی مالی کمیته‌های صنعتی و کمیته‌ی ملی کارگران را در کنفرانس‌ها، پس از برداشتن گام‌های نخست برای تشکیل کمیته‌ها، منظم و مرتب کرد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که همواره مشکل‌آفرین خواهد بود چگونگی رسیدگی به مسائل مالی تشکل‌های کارگری است. در





صنعتی عظیم طبقه کارگر در هم بیامیزیم. شرایط کنونی چنین اوجی را می‌طلبد. رشد علوم، تمرکز نیروهای سرمایه‌داری، قدرت دولت، انتقال ارتش‌های صنعتی نظامی وسیع، همه عواملی هستند در مبارزات آینده، که اندیشیدن به آن‌ها شگفت‌انگیز و ترسناک است. در بزرگ‌ترین جنگ تاریخ — موسوم به جنگ مهندس‌ها — دولت بریتانیا به ۸۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ مهندس اجازه می‌دهد سه هفته دست از کار بکشند. اما شعار جنبش کارگری این است: "به جای مهندس‌ها، «جنگ» را به «مرخصی» بفرستید و جمعیت عظیم کارگران صنعتی را از ارتش رها سازید!"

در سال ۱۹۱۱ نخست‌وزیر به کارگران راه‌آهن چنین گفت: «دولت اعلیحضرت تمام نیروی نظامی و غیرنظامی سلطنت را در اختیار کمپانی‌های راه‌آهن خواهد گذاشت...» اما نخست‌وزیر سوسیالیست فردای انگلستان نیز چنین خواهد گفت: یک امید نیرومند، تنها امید ممکن، نشان به سوی افقی دارد که در پیشروی جامعه قرار گرفته است. طبقه‌ی کارگری قدرتمند، اندیشمند و باشهامت که همچون طبقه‌ای آماده برای جنگیدن و پیروز شدن سازمان یافته باشد.

توضیح:

Trade Council "شورای اتحادیه‌ها" یا Industrial Council "شورای صنعتی" تشکیلی است که از مجموعه‌ی اتحادیه‌های کارگری یا شعبه‌های یک اتحادیه در یک منطقه‌ی خاص (چه از نظر حرفه و پیشه و یا یک صنعت ویژه و چه از نظر تمرکز جغرافیایی در یک محله، یک شهر، یک استان و یا سرتاسری) تشکیل می‌شود.

این راستا پیشنهاد می‌شود که رابطه‌ی مالی کمیته‌های صنعتی ملی و "کمیته‌ی ملی کارگران" در همان همایش‌های نخستین سامان‌یابی چنین تشکلهایی حل و فصل شود.

ما با ترسیم طرح کلی شیوه‌ای که این ساختار می‌تواند از درون شرایط موجود رشد کند، این واقعیت را مورد تأکید قرار می‌دهیم که ما ضد جنبش اتحادیه‌های کارگری نیستیم. نه برای خراب کردن بلکه برای رشد کردن آمده ایم، می‌خواهیم از تمام ابزار موجود بهره‌برداری کنیم تا به وسیله‌ی آن بتوانیم سازمان موثرتری از کارگران ایجاد کنیم، همه‌ی ما می‌خواهیم با افزایش فعالیت خود آگاه بشویم که تا چه حد کارگران به یکدیگر برای تولید و برای رهائی نیاز دارند.

اتحاد عمل و یگانگی تشکل در کارخانه باید اول از همه انجام شود، به این دلیل ما با جزییات بیشتری به کمیته‌های کارخانه پرداختیم و نه به سازمان‌های بزرگ‌تری که از درون آن‌ها رشد می‌کنند. ما حتی یک لحظه هم سیاست صریح و استوار خود را رها نخواهیم کرد. کهنه در نو ادغام می‌شود. بحران‌هایی ایجاد می‌شوند که سازمان‌هایی را به وجود خواهند آورد که بر حسب ماهیت مسائلی که مطرح می‌کنند رنگ خاصی به خود می‌گیرند. اما جدا از موقعیت‌های نامتعارف، می‌کوشیم تا خط روشن تکامل از کهنه به نو را نشان دهیم.

فعالان جنبش کارگری با مداخله در تشکل‌های موجود، و تشویق به سازمان‌یابی، پذیرش مسئولیت و مداخله‌ی مستقیم توده‌های کارگر و تغییر از پایین به بالا تلاش می‌ورزند. افزون بر این، این فعالان برای تنظیم روابط و اساسنامه‌های دموکراتیک این گونه سازمان‌های کارگری بیشترین کوشش را به کار می‌برند.

با کارکردن در سازمان‌های موجود، دادن مسئولیت به کارگران عادی در هر مرحله و در هر بحران، جستجو برای تغییر قانون هر سازمان از درون تا با خواست زمانه منطبق باشد؛ کار کردن همیشه از پایین به بالا — به این طریق می‌توان دید که کارگران عادی کارخانه‌ها از طریق کمیته‌های کارخانه به مسائل کارخانه برخورد می‌کنند؛ بدین سان توده‌های کارگر هر موسسه‌ی صنعتی و تولیدی از طریق کمیته‌ی کارگری Plant Committee همان موسسه دخالت خواهند کرد، یا کارگران یک صنعت خاص نیز از طریق کمیته‌های صنعتی Industrial Committee با مسائل ویژه‌ی خود روبرو خواهند شد و کل طبقه‌ی کارگر نیز به وسیله‌ی "کمیته کارگران" Workers' Committee سروکله خواهد زد. هر چه این نوع فعالیت بیشتر رشد کند، سازمان‌های کهنه بیشتر اصلاح می‌شوند، تا وقتی که یا با مراحل ساده‌تر یا با یک حرکت عمومی در یک زمان مشخص، می‌توانیم نیروهای مان را در ساختاری که تا این زمان رشد کرده در هم بیامیزیم.

کارکردن با چنین اراده‌ای از درون سازمان‌ها، پذیرش مسئولیت‌ها، پروبال دادن به ایده‌ها، دورانداختن تعصبات و گسترش سازمان‌ها در هر جهت برای آن است که در اتحاد